

نقش رسانه در آموزش حقوق همگانی

نام و نام خانوادگی نویسنده اول: آرزو اسکندری

کارشناسی ارشد رشته حقوق

نام و نام خانوادگی نویسنده دوم: پرویز رضا میر لطفی

دانشیار گروه آموزش عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناخت اثرات رسانه بر ارتکاب جرم و پیشگیری از آن با اتخاذ موضعی برای مقابله با کاهش اثرات نامطلوب این رسانه و استفاده بهینه از آن در تربیت اجتماعی و اخلاقی به عنوان یک رسانه پویا و فراگیر کمک مؤثری به عدالت کیفری است. تنوع و تعداد مطبوعات و گسترش انتشار نشریات مختلف و متفاوت و به طور کلی جایگاه شایسته رسانه ها در تنویر افکار و ایجاد فضای مناسب برای گفت و گو و برخورد سالم و سازنده نظرات و همچنین اهمیتی که رسانه های گروهی اعم از نشریات مکتوب رسانه های دیداری شنیداری سایت ها و وبلاگ های اینترنتی و شبکه های اجتماعی مدرن فضای سایبری و ... در جهان امروز در ارتقاء سطح آگاهی تک تک آحاد بشر و تعالی فرهنگ و دانش عمومی دارند، بدون تردید یکی از مهمترین عوامل توسعه فرهنگی و از نشانه های پویایی و تحرک هر جامعه پویا و رو به رشد است. نقش رسانه در ارتکاب جرم و پیشگیری از آن از جمله مقولاتی است که به جهت تأثیرگذاری فراوان آن به دلیل فراگیر بودن و دایره مخاطبان وسیع مورد توجه جدی می باشد، چراکه رسانه می تواند با هموار بودن یا نبودن سایر شرایط تأثیرگذار بر رفتار انسانی از جمله شرایط فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و ... نقش تکمیلی را در وقوع جرم یا پیشگیری ایفا نماید. شیوه های تأثیرگذاری در وقوع جرم از طریق تقلید، تلقین، عادی جلوه دادن بزهکاری و شیوه های تأثیرگذار در پیشگیری از طریق: آموزش قوانین، آموزش همکاری میان پلیس و مردم و ... می تواند تأثیر بسزایی داشته باشد.

واژگان کلیدی: رسانه، حقوق همگانی، خشونت، پیشگیری

مقدمه

تلویزیون به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی می‌توان یکی از اعضای خانواده‌ها تلقی می‌شود زیرا در حال حاضر حتی اقشاری از جامعه که شاید به سختی امرار معاش روزانه می‌کنند، ولی حداقل یک تلویزیون ارزان قیمت سیاه و سفید را می‌توان گوشه‌ای آنها یافت. این رسانه جمعی که در حال حاضر از رسانه ملی به رسانه فراملی تبدیل شده است با توجه به گسترش شبکه‌های تلویزیونی و همچنین در اختیار داشتن ماهواره و اینترنت در اکثر خانواده‌ها به راحتی هر شخص یا اشخاص می‌توانند بدون صرف وقت و هزینه از وقایع و اتفاقاتی که در ملل مختلف جهانی و داخل کشور رخ می‌دهد مطلع گردند. همچنین این رسانه به دلیل فراگیر بودن می‌تواند باعث اعتلای سطح فرهنگ جامعه‌ای گردد، از طرفی به دلیل پخش برنامه‌های نامناسب آثار مخربی را روی فرد فرد افراد جامعه بگذارد و اشخاص بالقوه مجرم را به صورت مجرم بالفعل درآورد به وسیله قدرت اثربخشی زیاد به دلیل وجود صدا و تصویر به طور همزمان.

تلویزیون قابلیت تغییر فرهنگ جامعه را دارا است و به همین علت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به دلیل اهمیت موضوع زیرنظر رهبری جامعه اسلامی اداره می‌شود. امروزه نقد و انتقادات درباره‌ی تلویزیون بیشتر از رسانه‌های دیگر است. نکته حائز اهمیت اینکه در کنار تلویزیون داخلی شبکه‌های ماهواره‌ای زیادی وجود دارد که در آنها برنامه‌های مبتذل و خشونت و همچنین برنامه‌های آموزشی و علمی پخش می‌شود که برای جذب بیننده بیشتر از هر نوع ترفندی استفاده می‌کنند.

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، تلویزیون نقش مؤثری در تحریک و آموزش افرادی که آمادگی ارتکاب جرم را دارند ایفا می‌نماید. از طرف دیگر تلویزیون مضامینی را در جامعه ارائه می‌کند بی‌آنکه زمینه‌ها و بسترهای لازم برای درک آن مضامین در آن جامعه فراهم باشد. بنابراین تلویزیون با این رویکرد آثار زیان‌باری بر جامعه برجای خواهد گذاشت. به هر حال تلویزیون به عنوان پدیده‌ای که روز به روز در حال تغییر و تحول است، برای جوامع بشری فواید زیادی هم دارد، لذا به دلیل نقش آموزشی می‌تواند در زمینه پیشگیری از جرم که به سهولت صورت می‌گیرد، کمک مؤثری به نهادهای عدالت کیفری به ویژه پلیس بنماید، چرا که به کمک تلویزیون می‌توانند مشارکت و همکاری شهروندان را در پیشگیری از جرم جلب نمایند با تصویری مثبت از عملکرد نهادهای پیشگیری‌کننده از جرم در افکار عمومی جامعه ایجاد نماید.

بیان مسأله

رسانه به هر وسیله‌ای اطلاق می‌گردد که انتقال‌دهنده فرهنگ‌ها و افکار عده‌ای باشد. در اینجا آنچه مصداق این تعریف است وسایلی مانند روزنامه، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، CDها، ویدئو و... می‌باشند (ساروخانی، ۱۳۸۷). در مورد رسانه تا به حال ابراز نظرها و برداشت‌های مختلفی شده است. لیکن در اکثر این اعمال نظرها توجه کافی به نقش اصلی رسانه که همان پیام‌رسانی است نشده است، لذا کامل‌ترین و جامع‌ترین تعریفی که تاکنون از مفهوم رسانه صورت گرفته تعریف «مک لوهان» کانادایی است که گفته: «رسانه همان پیام است» (صدری نیا، ۱۳۸۸).

انواع رسانه را می‌توان به رسانه‌های نوشتاری (مطبوعات، مجلات، کتب و مقالات)، رسانه‌های صوتی و تصویری (رادیو، تلویزیون و سینما و ماهواره) و رسانه‌های مبتنی بر داده‌های دیجیتال (اینترنت، سایبری و...) اشاره کرد (مرادی مدیران، ۱۳۹۱).

مفهوم جرم از دیدگاه‌های مختلف:

مفهوم جرم از منظر حقوق کیفری (ق.م.ا): هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۰).

مفهوم جرم از منظر جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان: از نظر جامعه‌شناسان جرم عملی است مخالف منافع انسانی جامعه، اعم از اینکه مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته یا نگرفته باشد. کنش‌های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون

برای آن مجازات یا اقدامات تأمین و تربیتی تعیین شده جرم نام دارد. همچنین نشود از نظر جامعه‌شناسان جرم عملی است مخالف منافع انسانی جامعه، اعم از اینکه مورد عنایت قانون‌گذار قرار گرفته یا نگرفته باشد. کنش‌های مثبت یا منفی مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمین و تربیتی تعیین شده جرم نام دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۹).

مفهوم جرم از منظر شرع: از منظر اسلام، جرم به افعالی تلقی می‌شود که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی حق تعالی باشد این افعال در قرآن کریم با نام‌های مختلف، اثم، سیه، و... ذکر شده است. به طور کلی نافرمانی از خداوند که متعاقب آن مستحق مجازات می‌گردد جرم نام دارد (فیض، ۱۳۸۹).

در اسلام مفهوم جرم با گناه آمده است و حتماً هم لازم نیست از گناهی که فرد مرتکب می‌شود کس دیگر ضرر ببیند بلکه، حتی از فعل حرامی که خود مرتکب می‌شود، شخص وی متضرر شود که اسلام در این موارد هم گناه مذکور را جرم دانسته است و شاید یکی از دلایل این تعبیر این باشد که درواقع مالک وجودی انسان خداوند است و هیچ‌کس حق ندارد حتی به نفس و جان خویش لطمه‌ای بزند، بلکه در برابر کلیه اعضای بدن خویش مسؤول هستیم و نفس و جان ما بر گردن ما حق دارند. حال که اسلام تا این حد گناه را جرم دانسته است، بنابراین اگر فردی گناهی را مرتکب شود که علاوه بر خود به اجتماع یا فردی ضرر برساند، در مرحله اولی جرم دانسته و مستوجب کیفر (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

نقش تلویزیون در ارتکاب جرم:

تلویزیون به عنوان یکی از رسانه‌های تصویری می‌تواند با پخش برنامه‌های سوق‌دهنده به سوی جرم و انحرافات اجتماعی نقش مهمی ایفا نماید. واقعیت است که فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی یکی از عوامل بسیار مؤثر در کژرفتاری و بزهکاری افراد جامعه هستند. از جمله نمایش جنایت و صحنه‌های هیجان‌انگیز در افزایش اعمال انحرافی، نمایش اعمال خشونت‌بار و... است. البته ذکر این نکته ضروری است همان‌طور که می‌دانیم انسان موجودی اجتماعی است و در فرآیند شکل‌گیری فرد مجرم عوامل زیادی دخیل هستند از جمله محیط اجتماعی، شغل، خانواده، شرایط اقتصادی و... که یکی از این موارد تأثیرگذار تلویزیون به عنوان رسانه‌ای فراگیر و پرمخاطب می‌باشد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

ابتدا با ارائه تئوری‌های مربوطه به تأثیر تلویزیون در ارتکاب جرم و سپس شیوه‌های اثربخشی برنامه‌های تلویزیون در ارتکاب جرم را مورد بررسی قرار دهیم.

تئوری‌های مربوط به تأثیر تلویزیون در ارتکاب جرم:

۱- نظریه یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری: مجموع صاحب نظرانی که موضوع یادگیری اجتماعی را مطرح ساخته‌اند بر این باورند که کج‌رفتاری و ارتکاب جرم طی فرایندهای مشابه یادگرفتنی است، بنابراین نکته اصلی در این نظریه‌ها این است که افراد، کج‌رفتاری را در طول تعامل خود و طی فرایندهای خاصی یاد می‌گیرند و یادآور می‌شود که رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون در یادگیری کج‌رفتاری و ارتکاب جرم نقش ایفا می‌نمایند.

یکی از نظریه‌های مربوطه به آثار اجتماعی رسانه‌ها نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت باندورا (۱۹۸۶) است، براساس این نظریه، انسان‌ها بیشتر آن‌چه را که برای راهنمایی و عمل در زندگی نیاز دارند صرفاً از تجربه و مشاهده مستقیم یاد نمی‌گیرند، بلکه عمده آنها به طور غیرمستقیم و به صورت مشاهده رفتار دیگران و از طریق الگوبرداری یاد گرفته می‌شود.

این نظریه به طور گسترده‌ای برای مطالعه تأثیر رسانه‌ها از جمله تلویزیون بر خشونت مورد استفاده قرار می‌گیرد لذا پرخاشگری را نتیجه تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز می‌داند که به عنوان یک رفتار آموخته و عمل می‌شود. چهار فرایند اصلی یادگیری اجتماعی در الگوی باندورا عبارتند از: توجه، حفظ و یادآوری، تولید و انگیزش (مهدی زاده، ۱۳۹۱).

۲- نظریه کاشت: «گرنبر در دفاع از نظریه کاشت دو مفهوم جریان اصلی و تشدید را اضافه کرد: به اعتقاد وی جریان اصلی، اشاره‌ای به تأثیرات تلویزیون در تثبیت و یکسان‌سازی دیدگاه‌ها در داخل جامعه است، به این معنا که تعبیر و تفسیر تلویزیونی شده زندگی به عنوان جریان اصلی رایج می‌شود و نفوذ می‌کند.

در مورد تشدید می‌افزاید هرگاه رویدادهای جهان واقعی، از انگاره‌ها و تصاویر تعریف شده از واقعیت در تلویزیون حمایت می‌کند تشدید روی می‌دهد (مهدی زاده، ۱۳۹۱).

۳- نظریه تزریق: این نظریه وسایل ارتباط جمعی به ویژه تلویزیون را دارای تأثیری مطلق، مستقیم و فوری بر مخاطب می‌داند. تلویزیون نه تنها به تغییر نگرش مردم بلکه به تغییر رفتار آنها نیز قادر است. مخاطبان به طور مستقیم به رسانه‌ها مرتبط هستند و تأثیر رسانه‌ها بر نگرش و رفتار آنها فوراً اتفاق می‌افتد (مهدی زاده، ۱۳۹۱). سورین و تانکارد از بنیان این نظریه بر این باورند: «پیام‌های ارتباط جمعی بر مخاطبانی که در معرض آنها قرار می‌گیرند آثار قوی و کمابیش یکسانی دارند (مرادی و الیاسی، ۱۳۹۰).

طبق این نظریه پیام‌ها مثل ماده‌ای است که در داخل سرنگ تزریق می‌شود و آن رفتاری که موردنظر است را در مخاطبان بوجود می‌آورد حالا اگر رفتار موردنظر رفتاری نابهنجار و بزهکاری باشد می‌تواند مغزهای بی‌دفاع را تحت تأثیر قرار دهد و لذا تلویزیون هم به عنوان رسانه‌ای پرمخاطب و فراگیر می‌تواند در این بعد منفی در حد گسترده‌ای به کار گرفته شود و افکار و رفتارهای موردنظر طرفداران این نظریه را بکار بندد و نقش تأثیرگذاری در افکار عمومی و ارائه الگوهای کج رفتاری اجتماعی و در نهایت ارتکاب جرم داشته باشد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۴- نظریه برجسته‌سازی: این نظریه مدعی تأثیر رسانه‌ها بر شناخت و نگرش مردم و تعیین اولویت‌های ذهنی آنان از طریق انتخاب و برجسته‌سازی بعضی از موضوعات و رویدادها در قالب خبر و گزارش است. یعنی تلویزیون با برجسته ساختن بعضی از موضوعها و رویدادها، بر آگاهی و اطلاعات مردم تأثیر می‌گذارد. گرچه نمی‌تواند تعیین کنند که مردم چگونه بیندیشند، اما می‌تواند تعیین کنند که درباره چه بیندیشند. رسانه‌ها از جمله تلویزیون با ارزش‌گذاری برخی حقایق و اغراق در آن ارزش‌گذاری، می‌توانند بر ارزش‌گذاری‌های جامعه تأثیر بگذارند (مرادی و الیاسی، ۱۳۹۰) و (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

شیوه‌های اثربخشی برنامه‌های تلویزیون در ارتکاب جرم:

جرم به عنوان پدیده‌ای که نشانه تخطی دسته‌ای از افراد جامعه نسبت به مقررات و توافقات جمعی است از مسائلی می‌باشد که توجه عموم را به خود جلب کرده است. این در حالی است که بسیاری از مردم با دیدن و شنیدن اخباری مرتبط با جرایم اتفاق افتاده در محیط پیرامونشان، احساس خوشایند دارند و رسانه‌ها از جمله تلویزیون نیز با استفاده از این حسن کنجکاوی، به شرح بیان وقایع جنایی می‌پردازد ولی ماجرا ختم به یک نقطه نیست، بلکه در این میان رسانه‌ها از جمله تلویزیون این توان را دارند که از طریق پخش برنامه‌های گوناگون خواسته یا ناخواسته افراد را به سوی بزهکاری فرا خوانند (مرادی مدیران، ۱۳۹۱).

افکار عمومی در حال حاضر شدید تحت تأثیر وسایل ارتباط جمعی است، لذا در تمام کشورهای صنعتی و در حال توسعه نقش آن بسیار تعیین کننده است لذا استفاده نامناسب و غیراصولی از این ابزار شدیدترین ضربات را بر فرهنگ و اخلاق و رفتار یک ملت وارد می‌سازد و از نقطه نظر جرم‌شناسی تلویزیون به دلیل اثراتی که بر روند شخصیت و هنجارهای افراد، بالخصوص کودکان و نوجوانان دارد بسیار مورد توجه بوده و یکی از عوامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد (نجفی توانا، ۱۳۹۰).

لذا ما با دو نوع افکار عمومی مواجه هستیم:

۱- افکار عمومی عادی: افکار عمومی عادی به نگرش‌ها و افکاری گفته می‌شود که از حالت طبیعی خارج نشده و در حالات بسامان بسر می‌برند و محرک‌های ارتکاب جرم در آنها تأثیر نکرده و یا تأثیر کمتری داشته است و به نوعی انگیزش رفتارهای ناپه‌نجار و ارتکاب جرم در آنها بسیار پایین بوده و در نتیجه تلویزیون نخواهد توانست تحت تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز خود تحریک به ارتکاب جرم نماید.

لذا عوامل مساعد فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی و سطح سواد در رشد و تعالی اینگونه افکار عمومی تأثیرگذار می‌باشند.

۲- افکار عمومی تحریک‌شده: در واقع این نوع افکار عمومی به نوعی بیمار تلقی می‌شوند نه از لحاظ جسمی بلکه از لحاظ روحی، چراکه تحت تأثیر محیط نابسامان خانوادگی و عوامل نامساعد فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی این افراد به نوعی با خودشان درگیر هستند و حتی در برخی موارد دست به خودکشی هم می‌زنند لذا در این وادی اگر تلویزیون هم با ارائه تصاویر خشونت‌آمیز و کشت و کشتار به این موضوع دامن زند اینگونه افراد که افکار آنها تحت تأثیر آسیب‌های اجتماعی گوناگون آمادگی ارتکاب جرم و جنایت را دارند به راحتی از طریق شیوه‌هایی چون تقلید، تلقین و غیره مرتکب جرایم خشونت‌آمیز و قتل و... خواهند شد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۱- نقش تلویزیون در تحریک به ارتکاب جرم: بحث تحریک به ارتکاب جرم از طریق تلویزیون به اصطلاح جرم‌انگاری نشده است بنابراین تحریکی که مدنظر ماست غیر از آن چیزی است که در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری کشورهای دیگر جرم‌انگاری شده است. «در اصطلاح حقوقی تحریک عبارت است از توصیه و تشویق مجذانه و تزریق افکار مجرمانه برای مصمم کردن دیگری بر ارتکاب جرم معینی.» (ولیدی، ۱۳۸۲). «منظور ما در تحریک به ارتکاب جرم از طریق تلویزیون نوعی ایجاد و تقویت انگیزه است لذا در حقوق کیفری علی‌الوصول به آن توجهی نمی‌شود (مرادی مدیران، ۱۳۹۱).

متأسفانه تهیه‌کنندگان تجاری فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی فیلم‌هایی را که هدف تجارتي دارند تهیه و به نحو اغراق‌آمیز در صحنه فیلم‌ها، پرخشگری، عصیان، خشونت، قانون‌شکنی، عیاشی و شهوترانی را تجسم می‌نمایند (دانش، ۱۳۷۴). اشخاص بی‌شماری از طریق فیلم‌ها و برنامه‌های مختلف تلویزیونی تحریک به ارتکاب جرایم متعددی گردیده، با این حال برخورد قانونی که با شخصی که با عث تحریک فرد دیگری به ارتکاب جرم شده می‌گردد در مورد بعضی فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگانی که بیشتر جنبه تجارتي فیلم‌ها برایشان مهم است تا اثرات منفی فیلم بر روی تماشاگر، متأسفانه اعمال نمی‌گردد شاید به چند تذکر شفاهی و انتقادات که از طریق منتقدان برنامه‌های تلویزیونی صورت می‌گیرد بسنده می‌گردد. (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

چند شیوه که باعث تحریک به ارتکاب جرم می‌شود:

۱- نقش تلویزیون در تقلید و همانندسازی در ارتکاب جرم: این شیوه اثرپذیری تلویزیون در مخاطبان یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در تحریک تماشاگر و ارائه طریق برای بروز انحرافات اجتماعی و رفتار مجرمانه می‌باشد که به جرأت می‌توان اظهار داشت که اکثر اقشار جامعه از این گزند منفی برنامه‌های تلویزیون چه در سطح ملی چه در سطح فراملی در امان نبوده (ماهواره، اینترنت...) و به نوعی بسته به شخصیت فردی و اجتماعی و شغلی خویش با این موضوع دست و پنجه نرم کرده‌اند. به نظر می‌رسد که برخی از تماشاگران حتی رفتار ناپه‌نجار و جرایمی که هنرپیشه‌های محبوب تلویزیونی در نظر آنها در صحنه غیرواقعی فیلم در معرض دید تماشاگران می‌گذارند را به‌نجار تلقی کرده و احتمال اینکه همان رفتار ناپه‌نجار و جرایم را که در فیلم اتفاق افتاده را در عالم واقع انجام دهند بسیار زیاد خواهد بود.

انسان در اثر تماشای مکرر و مداوم برخی برنامه‌ها مخصوصاً فیلم‌ها، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و به تقلید از آنچه که مشاهده کرده می‌پردازد و یا اگر اثر قوی‌تر باشد از قالب اصلی خود بیرون می‌آید و خود را کاملاً در قالب قهرمان عرضه شده در می‌یابد تا حدی که می‌خواهد همان کارها و اعمال و رفتاری را که مشاهده کرده کاملاً مشابه و یکنواخت عمل کند (مظلومان، ۱۳۵۵).

خطر تقلید زمانی فاجعه آمیز خواهد بود که فرد از قالب اصلی تن خود بیرون آمده و خود را در قالب قهرمان عرضه شده در فیلم می پندارد بنابراین دیگر برایش مهم نیست که چه کاری انجام می دهد بیشتر این موضوع برایش جالب است که خودش را قهرمان مورد علاقه اش می پندارد و آن عملی را که وی در عالم غیرواقعی فیلم انجام داده او در عالم واقع انجام می دهد چه بسا که باعث سلب حیات فردی شود. خطر تقلید زمانی فاجعه آمیز خواهد بود که فرد از قالب اصلی تن خود بیرون آمده و خود را در قالب قهرمان عرضه شده در فیلم می پندارد بنابراین دیگر برایش مهم نیست که چه کاری انجام می دهد بیشتر این موضوع برایش جالب است که خودش را قهرمان مورد علاقه اش می پندارد و آن عملی را که وی در عالم غیرواقعی فیلم انجام داده او در عالم واقع انجام می دهد چه بسا که باعث سلب حیات فردی شود (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۲- نقش تلویزیون در تلقین به ارتکاب جرم: یکی از شیوه های مؤثر که تلویزیون دارا می باشد قدرت تلقین آن می باشد و مسائل گوناگون را در محیط خانوادگی و اجتماعی بوجود آورده است و در تحریک تماشاگر به ارتکاب جرم نقش زیادی دارد.

گروهی از دانشمندان معتقدند بسیاری از فیلم های تلویزیونی، آشکارا محرک افراد تلقین پذیر به ارتکاب بزه هستند (دانش، ۱۳۷۴).

یکی از اثرات عمیق تلویزیون قدرت تلقین آن است. به این صورت که با نمایش در آوردن داستان ها و وقایع مختلف، در فکر و اندیشه تماشاگر نفوذ می کند و با تلقینات گوناگون به تحریک او می پردازد (مظلومان، ۱۳۵۵).

این نکته را باید مدنظر قرار داد که افراد جامعه هریک از روحیات و وضع و کار متفاوتی برخوردارند، برخی اشخاص از اوضاع زندگی و کار خود احساس ناراحتی دارند درواقع راضی نیستند از وضع موجود خویش، حال فرضاً یک فیلمی از تلویزیون پخش می شود که با وضع زندگی و روحیات فرد موردنظر تا حدی تطابق داشته باشد بنابراین این فیلم به منزله یک سم و یک آفت خانمان سوز است چرا که این اشخاص به نوعی از این فیلم یا برنامه الهام گرفته و به همان طریقی که در فیلم اتفاق افتاده عمل می نمایند، درواقع این اشخاص دنبال یک مثال یا یک اندیشه ای هستند به عنوان پدیده محرک تا خودشان را درواقع تبرئه نموده و از انجام کاری که کرده اند احساس پشیمانی و ندامت نکنند و در واقع خودشان را معلول تلقی می کنند و این طور وانمود می کنند که در ارتکاب جرم هیچ نقشی نداشته اند.

این نکته را باید مدنظر قرار داد که افراد جامعه هریک از روحیات و وضع و کار متفاوتی برخوردارند، برخی اشخاص از اوضاع زندگی و کار خود احساس ناراحتی دارند درواقع راضی نیستند از وضع موجود خویش، حال فرضاً یک فیلمی از تلویزیون پخش می شود که با وضع زندگی و روحیات فرد موردنظر تا حدی تطابق داشته باشد بنابراین این فیلم به منزله یک سم و یک آفت خانمان سوز است چرا که این اشخاص به نوعی از این فیلم یا برنامه الهام گرفته و به همان طریقی که در فیلم اتفاق افتاده عمل می نمایند، درواقع این اشخاص دنبال یک مثال یا یک اندیشه ای هستند به عنوان پدیده محرک تا خودشان را درواقع تبرئه نموده و از انجام کاری که کرده اند احساس پشیمانی و ندامت نکنند و در واقع خودشان را معلول تلقی می کنند و این طور وانمود می کنند که در ارتکاب جرم هیچ نقشی نداشته اند (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۳- نقش تلویزیون در ترویج روحیه خشونت: ترویج خشونت از طریق تلویزیون یکی دیگر از شیوه های اثربخش بر روی تماشاگران با ارائه فیلم های جنایی و فیلم هایی است که در آن قتل و آدم کشی به وضوح و با شیوه های خاص صورت می پذیرد حال اگر این طور فیلم ها مکرر از تلویزیون پخش شود مسلم است که بر روی روحیه و روان تماشاگران تأثیر منفی می گذارد و از فرد سالمی می تواند فرد ناسالمی پدید آورد. در عصر کنونی که مفهوم تلویزیون نه دربرگیرنده تلویزیون داخلی دولت ها بلکه شبکه های فراملی یعنی ماهواره و اینترنت و سایر شبکه های دیجیتالی در بُعد وسیع می تواند مخاطبان خود را تحت تأثیر برنامه ها و فیلم های خشونت آمیز قرار دهد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸). کشتار و خشونت، آدم ربایی و سرقت، برهنگی و سکس، ناهنجاری های اخلاقی و فرهنگی و اجتماعی ریخته در انواع قالب های نمایش و تصویری و حتی پیام های بازرگانی، پیوسته در معرض دید کودک و بزرگسال به طور یکسان قرار دارد. ثمره قهری این وضع ایجاد اختلال و تزلزل در «دوران کودکی» انسان ها، تا سرانجام محو و زوال کامل آن خواهد بود (نیل پستمن، ۱۳۸۸).

ارزیابی سه شبکه تلویزیون آمریکا یعنی **N.B.C**، **C.B.S** و **A.B.C** نشان می‌دهد که آنها در برنامه‌های خود در هر هفته، ۹۲ مورد حمله با سلاح گرم، ۹ فقره خفه کردن، ۱۶۸ فقره نزاع یا مشت و لگد و ۱۷۹ مورد تخلف قانونی را پخش می‌کنند (میزگرد «تلویزیون، کودک و خشونت، ۱۳۷۷»). نقش تلویزیون در تشدید روحیه خشونت انکارناپذیر است، رسانه‌ها مخصوصاً تلویزیون در ترویج خشونت نقش بسزایی دارند و خشونت را در خلوت خانه‌ها مستقر می‌کنند. همچنین سبب می‌شوند کودکان در سنین پایین با خشونت آشنا شوند (شیخاوندی، ۱۳۸۳). امروز تلویزیون با تبلیغات کالاهای رنگارنگ زندگی مرفه را آرمان و هدف مخاطبان ترسیم می‌کند در حالی که این هدف با شغل و درآمد مخاطبان قابل دسترسی نیست در نتیجه میان اهداف و ابزار مشروع دستیابی به این اهداف فاصله ایجاد می‌شود یعنی فرد احساس محرومیت می‌کند لذا این وضعیت منجر به خشونت و پرخاشگری در میان افراد می‌گردد (اکبری، ۱۳۹۱).

بنابراین می‌توان گفت که اضطراب و دلواپسی تحت تأثیر صحنه‌های اضطراب‌آور و ترسناک موجب می‌شود که تشویش و نگرانی در جسم و روان فرد اثر کند و از اثرات روانی آن این است که غالباً به صورت نابهنجاری‌های مختلف منجر می‌گردد. عوارضی چون ترس و اضطراب با انفعالی کردن شخصیت افراد، گامی به سوی ارتکاب جرایم و نابهنجاری‌های اجتماعی تلقی می‌شوند (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۵- نقش تلویزیون در انحرافات جنسی: یکی دیگر از صحنه‌های تحریک‌کننده و انحراف‌آفرین تلویزیون مربوط به امور جنسی و حرکات هنرپیشگان می‌باشد که باعث اغتشاش فکری در دل بینندگان و سقوط آنان در ورطه نابهنجاری‌ها می‌شود. (مظلومان، ۱۳۵۵). چند سالی است که بیان موضوعات جنسی (به شکل مجازی) از طریق اینترنت به یکی از معضلات بزرگ جوامع غربی و به طور کلی تمام افرادی که دسترسی به شبکه اینترنتی دارند تبدیل شده است. احتمال دارد ناشناخته‌ترین بخش روابط اینترنتی، برخوردهای روشن جنسی باشد که در **MUD** (اتاق‌های گفت‌وگو) و در پاره‌ای از اتاق‌های خصوصی فراجانه‌ای انجام گیرد (مرادی مدیران، ۱۳۹۱).

ضروری است تا والدین نسبت به فرزندانشان حساسیت بیشتری به خرج دهند و اجازه ندهند فرزندانشان با تماشای یک فیلم مبتذل که از طریق ماهواره یا اینترنت دریافت می‌کنند فکر و ذهنشان تحریک گردیده بلکه طوری بر رفتار فرزندان خود نظارت نمایند که توانایی‌های خویش را در جهت مثبت و خدمت به جامعه و هموعان خویش بکار گیرند. باید به نوعی داور اعمال و رفتار خویش بوده تا مبادا خودشان در اثر تماشای فیلم‌های تحریک‌آمیز و جنسی نه تنها قادر به کنترل رفتار خویش نبوده بلکه فرزندانشان نیز ناخودآگاه در اثر توجه به رفتارهای والدین در برخوردهای اجتماعی که از قید و بندهای اخلاقی به دور بوده دچار انحراف جنسی و ابتذال اخلاقی گردند، که یکی از عوامل تأثیرگذار منفی در این زمینه رسانه تصویری چون ماهواره، اینترنت بر رفتار والدین و فرزندان است (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

تلویزیون و نقش آن در تسهیل ارتکاب جرم:

افراد با هر انگیزه‌ای که دست به اقدام یک سری اعمال مجرمانه می‌زنند تحت تأثیر برنامه‌های تلویزیونی به روش ساده‌تر از قبل دست به ارتکاب جرم می‌زنند. تلویزیون با پخش فیلم‌های جنایی و عادی جلوه دادن آن تماشاگر را به این باور می‌رساند که ارتکاب جرم و جنایت در جامعه در حال انجام است و هیچ‌گونه لطمه‌ای به اجتماع و فرد نخواهد زد و در این وادی از ظرافت هنر سینمایی هم استفاده می‌شود یعنی انتخاب بازیگر خوش‌چهره، گریم و موزیک و... در این راستا با پخش روش‌های مختلف جرایم گوناگون به مثابه آموزشگاهی برای ارتکاب جرم تبدیل می‌شود (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۱- عادی جلوه دادن بزهکاری: تکرار صحنه‌های جرم‌زا و حاوی آموزه‌های غیراخلاقی و مغایر با ارزش‌های فرهنگی و دینی یک جامعه در رسانه‌های تصویری قبح عمل را از بین برده و باعث می‌شود فرد به آن خو گرفته و آن را نزد خودش امری عادی تلقی نماید همان‌طوری که اکثر افراد از زندان هراس دارند ولی وقتی یک‌بار مرتکب جرم شوند و پای آنها به زندان باز شود دیگر باید در مورد این فرد این‌طور اندیشید که آسان‌تر و راحت‌تر از قبل مرتکب جرم شوند تا جایی که حتی با علم به این قضیه که امکان دستگیر شدن و در نهایت زندانی شدن و مجازات در انتظار اوست ولی باز هم مرتکب تکرار جرم می‌گردند (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۲- آموزش روش اجرای جرم: افراد در اثر تکرار ارتکاب عملی مهارت بیشتری کسب می کنند تا حدی که اتفاقات پیش بینی نشده را هم در انجام عمل خویش برنامه ریزی می کنند. در مورد ارتکاب جرم هم وضعیت به همین منوال می باشد چرا که اگر فردی مثلاً دفعات زیادی مرتکب سرقت از منازل گردیده دیگر می تواند در این جرم بخصوص به دیگران هم آموزش دهد حتی پیش بینی سهل و آسان تر فرار از صحنه جرم را هم برنامه ریزی دقیق می کند تا حدی که برای ارتکاب جرم مزبور اعتماد به نفس کسب می نماید (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

تمام تجربه های حرفه ای مجرمانه در ارتکاب جرم تا قبل از پخش در شبکه های تلویزیونی به عنوان رفتار امضایی خاص برای مرتکب خود قابل تصور است، ولی به محض اشاعه و ترویج از حیطة فرد خارج شده و حتی ممکن است به صورت یک مکتب جهانی تلقی گردد (راکیا، ۱۳۷۸). تجربه در ارتکاب جرم و جلب اعتماد به نفس زمانی می تواند آثار سوء مضاعف داشته باشد که از طریق شبکه های تلویزیونی برای بینندگان یا سایر مجرمین کم تجربه انعکاس یابد چرا که این مجرمان با انگیزه هایی غالباً مشترک دست به ارتکاب این اعمال مجرمانه می زنند (دیویدجی، ۱۳۸۳).

بنابراین وقتی که شیوه ارتکاب جرم از طریق مجرمان حرفه ای از طریق شبکه های تلویزیونی پخش می شود به راحتی می تواند مجرمین اتفاقی یا کم تجربه را به مجرمان حرفه ای تبدیل کند همان طور که در زندان بسیاری از جرایم پیشرفته از طریق مجرمان حرفه ای به مجرمین جوان و کم تجربه آموزش داده می شود (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۳- تسهیل وقوع جرم از طریق عدم تطابق برنامه های تلویزیونی خارجی با خصوصیات جامعه: تجربه در ارتکاب جرم و جلب اعتماد به نفس زمانی می تواند آثار سوء مضاعف داشته باشد که از طریق شبکه های تلویزیونی برای بینندگان یا سایر مجرمین کم تجربه انعکاس یابد چرا که این مجرمان با انگیزه هایی غالباً مشترک دست به ارتکاب این اعمال مجرمانه می زنند. که پس از مشاهده یک فیلم زد و خوردی یا کاراته، بلافاصله افراد ناپخته، بالاخص کودکان در شکل و شمایل قهرمانان ظاهر می شوند و چنین صحنه هایی باعث زیر و رو شدن فرهنگ سالم یک جامعه می شود و افراد را به سوی فرهنگ وحشی جلب می کند. و این یکی از روش های بسیار مؤثر در تسهیل وقوع جرم و نابهنجاری های اجتماعی در اقشار جامعه می باشد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۴- نقش برنامه های تلویزیونی و خصوصیات روانی و انفعالی تماشاگر: برنامه ها و فیلم های تلویزیونی می تواند بر روی تماشاگر اثرگذار باشد بسته به خود تماشاگر است. یعنی حالت انفعالی و روانی تماشاگر است که تعیین کننده میزان تأثیر برنامه های تلویزیونی است. رافائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان مربوط به تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه است. بررسی و شناخت عوامل روانی مربوط به دانش روان شناسی جنایی است. از نظر معتقدان به تأثیر عوامل روانی در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند (اکبری، ۱۳۹۱).

یکی از نویسندگان مطرح جرم شناسی در این زمینه جمله جالبی دارد: «تلویزیون به خواسته کسانی که در جستجوی تفریحات انفعالی هستند جواب مثبت می دهد. این دستگاه دارای نیرویی است که راه بازگشت انسان بالغ را به مرحله دهانی می گشاید و بیننده را شبیه کودکی می سازد که هرچه به او دهند بدون کوچکترین تلاش ارادی برای جذب به سوی دهان می برد و از این راه کسب لذت می کند (کی نیا، ۱۳۸۸).

شاید پخش برنامه هایی با موضوع بی مسؤولیتی مردان و گرایش به سمت اعتیاد برای اجتماع به این طریق خطرناک باشد که مطمئناً در عالم واقعیت اجتماع اشخاصی با روحیات نقش افراد بازیگر در فیلم وجود دارند و بعضی از سواد رسانه ای خیلی پایین برخوردارند و اینکه برنامه یا فیلم پخش شده غیرواقعی می باشد را درک نکرده بلکه آن را توجیهی ای عاقلانه برای اعمال و رفتار نابهنجار خویش تلقی می کنند (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۵- نقش برتر استفاده از تلویزیون نسبت به سایر رسانه‌ها: امروزه رسانه‌های گروهی یکی از ابزارهای آموزشی بسیار گسترده و فراگیر محسوب می‌شوند چرا که علاوه بر این که در میان تمام اقشار جامعه به صورت‌های گوناگون در چهاردیواری منازل یافت می‌شود، در زمان بسیار کمی می‌تواند مقادیر عظیمی از اطلاعات را به مخاطبان خود ارائه دهد. تلویزیون جز گروه رسانه جمعی محسوب می‌شود لیکن روزنامه و مجلات و کتاب هم می‌توانند در بیان وقایع و جنایات و اتفاقی‌هایی که پیرامون جهان ما صورت می‌گیرد نقش ایفا کنند ولی نه مثل تلویزیون (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸). اثربخشی آسان برنامه‌های تلویزیونی در ارتکاب جرم نسبت به سایر رسانه‌ها را می‌توان به عواملی از جمله، راحتی و سهولت استفاده از تلویزیون، دوام، تنوع برنامه‌های تلویزیونی و عادت به تلویزیون دانست (مظلومان، ۱۳۵۵).

بنابراین با توجه به ویژگی‌هایی که در مورد تلویزیون گفته شده این موارد در مورد سایر رسانه‌ها صدق نمی‌کند مثلاً تلویزیون در اکثر خانواده‌ها دوام گرفته است چرا که همیشه در دسترس است ولی در مورد سینما یا مجلات این مورد همیشگی نیست، مثلاً در جامعه امروز ما کمتر کسی ماهی یک بار حتی به سینما می‌رود یا اینکه کمتر کسی همیشه روزنامه می‌خواند ولی در مورد تلویزیون این خصلت دوام و همیشگی در اکثر خانواده‌ها وجود دارد و به نوعی به برنامه‌های تلویزیونی عادت کرده‌اند حال اگر این دوام و عادت تلویزیونی با دیدن برنامه‌های محرک جرم فزونی گیرد می‌تواند آثار مخربی را در روحیه فرد و اجتماع بگذارد. اگر سایر شرایط اجتماعی مساعد باشد هرچند که فیلم‌های تلویزیونی اثر بدآموزی داشته باشد نمی‌تواند به راحتی در روحیه و روان افراد تأثیرگذار باشد بلکه در افرادی می‌تواند تأثیرگذار باشد که به صورت بالقوه مجرم هستند و حالت خطرناک دارند، در نتیجه تحت تأثیر محرک‌های منفی دیگر مرتکب جرم می‌گردند (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۶- نقش تلویزیون در ایجاد امواج و تحدید مفهوم جرم: تلویزیون اغلب جرم را در قالب موج‌هایی برجسته و متمایز و به تعبیر نویسندگان امواج جرم به تصویر می‌کشند، بدین شکل که با ارائه گزارش‌های مکرر از ارتکاب برخی اشکال خاص جرم شامل جرم خیابانی مانند ضرب و شتم، تجاوز به عنف و قتل موجب می‌شوند که توجه افکار عمومی با شدت بیشتری به این دسته از جرایم جلب شوند. برای تحقق مفهوم امواج جرم ضرورتی وجود ندارد که موارد وقوع یک رفتار مجرمانه در عمل نیز افزایش داشته باشد، بلکه کافی است که در افکار عمومی این تلقی ایجاد شود که این موارد با شدتی توجه برانگیز رو به فزونی است (اکبری، ۱۳۹۱).

جرایم دیگری نظیر حیف و میل اموال عمومی، جرایم مربوط به بهداشت و امنیت غذایی، خیانت در امانت و... کمتر مطرح می‌شود. از آنجایی که یکی از نقش‌های تلویزیون پیشگیری از وقوع جرایم است بنابراین پرداختن به یک سری جرایم خاص باعث این می‌شود که جرایم دیگر به راحتی و سهولت در جامعه به وقوع بپیوندند و هیچ‌گونه عکس‌العملی در رسانه‌ها از جمله تلویزیون در مورد آنها صورت نپذیرد، چرا که اگر تلویزیون در کنار جرایم توأم با خشونت از طریق اخبار و گزارش‌های خبری وقوع جرایم گوناگون را برای مخاطبین خود گوشزد کند چه بسا افراد از قبل خود را برای وقوع جرایم متفاوت آماده می‌کنند تا حداقل مرتکبین به جرایم گوناگون را به دردرسر ببینانند تا به سهولت و آسانی نتوانند فکر مجرمانه یا اعمال مجرمانه خویش را به مرحله نهایی برسانند، از طریق پیشگیری‌های مختلف وضعی از بزه‌دیدگی خود یا اطرافیان خویش جلوگیری نمایند.

۷- ارتباط بین تماشاگر و برنامه‌های تلویزیون: تلویزیون بدون تماشاگر و تماشاگر بدون وجود تلویزیون معنی ندارد، همان طور که برنامه‌های تلویزیون بدآموز یا مفید هستند تماشاگر تلویزیون هم از تنوع شخصیتی زیادی برخوردارند چراکه بعضی‌ها با سواد و فهمیم، بعضی از فهم و درک پایین‌تری برخوردارند و برخی افراد هم حتی سواد خواندن هم ندارند. پرواضح است که تأثیر یک برنامه تلویزیونی هرچند مفید در یک زمان و مکان واحد یا تأثیر یک برنامه تلویزیونی بدآموز در یک زمان و مکان مشابه تأثیرهای متفاوتی بر روی روان و عملکرد رفتاری این اشخاص برجای می‌گذارد بنابراین تنوع شخصیتی و فرهنگی افراد می‌تواند به عنوان تسهیل‌کننده وقوع جرم به عنوان یکی از عوامل مؤثر مطرح گردد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

نقش تلویزیون در پیشگیری از ارتکاب جرم:

تلویزیون علاوه بر نقش تکمیلی مهمی که در ارتکاب جرم دارد می‌تواند با برنامه‌ریزی صحیح و تأمین و پخش برنامه‌هایی در حد نیاز جوامع در زمینه‌های مختلف می‌تواند بر روند زندگی مطلوب انسان‌ها کمک نماید. یکی از مواردی که تلویزیون می‌تواند به خوبی نقش ایفا نماید در زمینه پیشگیری از وقوع جرم می‌باشد. البته مقوله پیشگیری نیازمند همکاری همه نهادهای تأثیرگذار بر روند زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌باشد. یکی از این نهادهای اثرگذار تلویزیون به عنوان رسانه‌ای پرمخاطب و فراگیر می‌باشد که می‌تواند با توجه به سرعت عمل در جذب مخاطب و اطلاع‌رسانی در کسری از ثانیه اثر تکمیلی بس شگرفی را در جهت کمک به عدالت کیفری و پیشگیری از وقوع جرم بنماید. در مورد پیشگیری از وقوع جرم در عصر حاضر از هر اهرمی که بتواند در جهت این موضوع به نهاد عدالت کیفری کمک کند باید غنیمت گرفت چرا که وقوع جرم می‌تواند جان و مال و آبروی انسان‌ها را در معرض تهدید قرار دهد بنابراین تلویزیون در این زمینه با توجه به اینکه در گوشه اتاق اکثر خانواده‌ها یافت می‌شود می‌تواند نقش تکمیلی اثرگذاری را در پیشگیری از وقوع جرم ایفا نماید (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

۱- آسیب‌شناسی تلویزیون: امروزه گسترش وسایل ارتباط جمعی به حدی است که دوران حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند. مک لوهان دنیا را با مفهوم دهکده‌ای جهانی می‌شناسد و می‌گوید وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون دارای جهان قدرتی است که می‌تواند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورد، نسلی که با نسل‌های پیشین متفاوت است.

امروزه گسترش وسایل ارتباط جمعی به حدی است که دوران حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند. مک لوهان دنیا را با مفهوم دهکده‌ای جهانی می‌شناسد و می‌گوید وسایل ارتباط جمعی از جمله تلویزیون دارای جهان قدرتی است که می‌تواند نسلی تازه در تاریخ انسان پدید آورد، نسلی که با نسل‌های پیشین متفاوت است (ستوده، ۱۳۸۱).

در ارتباط با تلویزیون چند موضوع از اهمیت ویژه‌ای از جهت آسیب‌شناسی برخوردار است که شامل: تلویزیون و خانواده، تلویزیون و خانواده، تلویزیون و ترس از جرم، تلویزیون و آثار خشونت، تلویزیون و بزهکاری اطفال است.

۲- پیشگیری و رابطه آن با رسانه‌ها: دو نوع پیشگیری کیفری و غیرکیفری وجود دارد. پیشگیری کیفری از ابزارهای کیفر و مجازات سخت برای ایجاد رعب و وحشت در افراد مستعد بزهکاری و جلوگیری از ارتکاب جرم یا تکرار جرم استفاده می‌کند و پیشگیری غیرکیفری یک سیاست پیشینی است و به انواع پیشگیری وضعی، اجتماعی، و پیشگیری اجتماعی را به دو شاخه «جامعه‌مدار و رشدمدار» تقسیم می‌شود (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

تلویزیون با آموزش‌های مختلفی از طریق پیشگیری از جرم و رفتارهای قانون‌مدارانه و پر کردن اوقات فراغت می‌تواند سهم بسزایی در شکل‌گیری رفتارهای ارزشی و بهنجارانه داشته باشد. «بدون شک اطلاع‌رسانی و ارتقای سطح آگاهی عمومی شهروندان می‌تواند مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی باشد (هاشمی، ۱۳۸۶).

۱-۲- پیشگیری اجتماعی و انواع آن:

پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون خود که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکردهای اجتماعی هستند تأثیر می‌گذارد. این روش از پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی سهمی در بهبود بهداشت زندگی، آموزش، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم ایجاد نماید (معظمی، ۱۳۸۶). پیش‌فرض اصلی رویکرد پیشگیرانه اجتماعی به جرم این است که انحرافات اجتماعی به طور اعم و جرم و معنای نص قانون به طور اخص، ریشه در محیط اجتماعی پیرامون فرد کجرو دارد و قبل از هر اقدامی باید این نکته را مورد توجه قرار داد که چه عوامل اجتماعی باعث می‌شود فرد به

ورطه کجروی و انحراف بیفتد. در این رویکرد جرم به عنوان یک واقعیت اجتماعی نگریسته می شود که ریشه در واقعیت های اجتماعی دیگر به عنوان عامل تأثیرگذار دارد (پروین، ۱۳۸۶).

پیشگیری اجتماعی بر مبنای علت شناسی استوار است که از سویی نظر به حذف یا خنثی کردن عواملی دارد که در تکوین جرم مؤثرند و از سوی دیگر ناظر به اقدام های روان شناختی - اجتماعی زودرس با ماهیت پیشگیری از خطرات بروز رفتارهای مجرمانه است (عباسی، ۱۳۸۶).

انواع پیشگیری اجتماعی:

۱- پیشگیری اجتماعی جامعه مدار: پیشگیری جامعه مدار یا محیطی که قدیمی ترین و رایج ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی (به ویژه انزیکوفری، بنیانگذار جامعه شناسی جنایی) نیز بر آن تأکید کرده است، شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشگیرنده ای می شود که نسبت به محیط هایی که فرد در آنها زندگی و کار می کند اعمال می شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳). پیشگیری جامعه مدار یا محیطی که قدیمی ترین و رایج ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی (به ویژه انزیکوفری، بنیانگذار جامعه شناسی جنایی) نیز بر آن تأکید کرده است، شامل اقدام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و پیشگیرنده ای می شود که نسبت به محیط هایی که فرد در آنها زندگی و کار می کند اعمال می شود (اسکندری و میر لطفی، ۱۳۹۸).

۲- پیشگیری اجتماعی رشد مدار: تلویزیون می تواند با بسط و گسترش برنامه های آموزشی و تربیتی در این زمینه اثری مطلوب داشته تا هم اقشار جامعه را با فرایند پیشگیری رشد مدار آشنا ساخته و هم خودش به عنوان نهادی اجتماعی و با استفاده از تجارب روان شناسان و کارشناسان اجتماعی به بررسی و تحلیل این معضل اجتماعی پرداخته و در نهایت راهکاری مناسب ارائه نماید. این معنا از پیشگیری، پیشگیری واکنشی و کنشی را دربر می گیرد (اسکندری و میر لطفی، ۱۳۹۸).

شاخصه کلی پیشگیری از جرم از طریق تلویزیون:

هر نظام اجتماعی برای حفظ موجودیت خود یک سری ارزش ها و هنجارهای مورد قبول را در جامعه تعریف می کند، تا اقشار اجتماعی به عنوان کنش گران اصلی تا حد امکان بدون وجود اهرم های فشاری مثل قانون کیفری از معیارهای پذیرفته شده سرپیچی نکنند. پیشگیری از جرم از طریق «اقناع درونی» که افراد را به رعایت هنجارها ملزم می کند و خاصیت غیرسرکوب گر دارد، مثل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام یکی از مهم ترین ابزارهای کنترل اجتماعی و پیشگیری می باشد. با این نگاه جامعه شناختی تلویزیون نیز دارای کارکرد اجتماعی است از شاخص های پیشگیری از طریق تلویزیون می توان به ویژه بودن پیشگیری از طریق تلویزیون، غیرسرکوب گر بودن اقدامات پیشگیرانه تلویزیونی، نقش محیط اجتماعی در پیشگیری از طریق تلویزیون، کاهش اثرات جرم اشاره کرد (اسکندری و میر لطفی، ۱۳۹۸).

پیشگیری از جرم از دیدگاه سطح تأثیر تلویزیون:

تلویزیون به عنوان رسانه ای جمعی و با توجه خاصیت چندرسانه ای بودن و همچنین فرامکانی، فرازمانی و سرعت انتقال یکی از تأثیرگذارترین ابزارهای پیشگیری اجتماعی تلقی می شود و می تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در افراد جامعه تأثیر بگذارد، چه بسا که با برنامه ریزی دقیق و راهکارهای مؤثر می تواند نقش پیشگیری در ارتکاب جرم و انحرافات اجتماعی داشته باشد. این پیشگیری به انواع پیشگیری ابتدایی، پیشگیری ثانویه، پیشگیری ثانویه تقسم می شود (اسکندری و میر لطفی، ۱۳۹۸).

پیشگیری از طریق تلویزیون از دیدگاه زمانی:

از نظر زمانی پیشگیری می‌تواند کوتاه مدت یا بلندمدت باشد که هر کدام از این نوع پیشگیری‌ها می‌توانند در برهه‌ای از زمان اثراتی را بر اجتماع بگذارند از طریق تلویزیون به عنوان نهادی اثرگذار در رفتار و کردار انسان‌ها. در نوع کوتاه مدت از ارتکاب جرم و رفتار ناهنجار به صورت موقتی گرفته شود تا زمینه‌های مساعد جهت پیشگیری گسترده‌تر این گونه جرایم برنامه‌ریزی شود (خدمتگذار، ۱۳۸۳). در نوع بلند مدت مبتنی بر مشارکت و همکاری عوامل و گروه‌هایی است که در موقعیت جرم‌زا مسئولیت دارند. این عوامل و گروه‌ها شامل مسئولین برنامه‌ریزی و توسعه، خانواده، بهداشت، رسانه‌های جمعی از جمله تلویزیون، مدارس، پلیس... و دیگر مراجع و مراکز قضایی می‌باشد (مرادی مدیران، ۱۳۹۱).

پیشگیری از جرم از طریق تلویزیون از دیدگاه روان‌شناختی:

بسیاری از مجرمان دارای مشکلات شخصی و یا نارسایی‌هایی هستند که نیازمند خدمات روان‌شناختی است حتی اگر این نارسایی‌ها به طور غیرمستقیم وابسته به شرایط اقتصادی - اجتماعی نامناسب باشد (دادستان، ۱۳۸۹). حاضر ارتباط مردم جهان از طریق تلویزیون و سایر رسانه‌ها به کسری از ثانیه تقلیل پیدا کرده است و مسلماً در این دنیای پیشرفته ارتباطی چیزی که بیش از همه مورد تهدید واقع می‌شود سلامت روانی است که گاه اهمیتش از سلامت جسمی بیشتر است. در این مقوله تلویزیون می‌توان با رویکرد سواد رسانه‌ای و اخلاق محوری از طریق روان‌شناختی به پیشگیری از پدیده جرم کمک نماید. که شامل سواد رسانه‌ای، اخلاقی شدن تلویزیون، پیشگیری از طریق افق افکار عمومی، نقش جستجوگری تلویزیون در پیشگیری از جرم، نقش تلویزیون در پیشگیری از فرسایش هویت ملی می‌باشد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

تئوری مربوط به پیشگیری روان‌شناختی تلویزیون از جرم:

این دیدگاه خشونت برنامه‌های تلویزیونی را در بروز رفتارهای مجرمانه مفید می‌داند. خشونت برنامه‌های تلویزیونی را در بروز رفتارهای مجرمانه مؤثر می‌داند. و به زشتی و ناهنجاری کردارهای نامعقول و منحوس که دارای نتایج شوم، وخیم و آزاردهنده است پی می‌برد و در نتیجه با آگاهی کامل از عواقب انجام برخی از اعمال از آنها دوری می‌کند (مظلومان، ۱۳۵۵). برخی نیز معتقدند احتمالاً کسانی که زمینه‌پر خاشگری دارند، بیش از دیگران جذب تماشای برنامه‌های خشونت‌آمیز می‌شوند و همین امر باعث ایجاد رابطه‌ای مثبت میان استفاده از مضامین خشن تلویزیونی و پر خاشگری می‌شود (منوچهری، ۱۳۷۸).

شیوهای پیشگیری از جرم از طریق تلویزیون:

شامل پیشگیری از جرم از طریق بیان ناهنجاری‌های اجتماعی از تلویزیون، نقش آموزش از طریق تلویزیون در پیشگیری از جرم است. پیشگیری از جرم از طریق بیان ناهنجاری‌های اجتماعی از تلویزیون نیز به اطلاع‌رسانی و هشدار، قانون‌شناسی و کیفرشناسی تقسیم می‌شود. همچنین نقش آموزش از طریق تلویزیون در پیشگیری از جرم شامل آموزش علم و دانش از طریق تلویزیون، آموزش علم و دانش از طریق تلویزیون، آموزش همکاری میان پلیس و مردم از طریق تلویزیون می‌باشد (اسکندری و میرلطفی، ۱۳۹۸).

بحث و نتیجه‌گیری

تلویزیون به عنوان رسانه‌ای فراگیر ابزاری محسوب می‌گردد که می‌تواند در راستای منافع جامعه گام بردارد و یا برعکس آثار زیان‌باری را برای جامعه داشته باشد. ابزاری محسوب می‌گردد که می‌تواند در راستای منافع جامعه گام بردارد و یا برعکس آثار زیان‌باری را برای جامعه داشته باشد. برنامه‌های تلویزیونی در قالب فیلم و سریال خشونت‌آمیز و گزارشات خبری نامناسب گاهی اوقات باعث می‌شوند که استعدادهای نهفته افراد بیدار شود و درواقع از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل گردند و در نتیجه لطمات ناشی از آن دیر یا زود خود آنان و افراد اجتماع را دربر می‌گیرد اما این تنها عامل نیست. برنامه‌های تلویزیونی در قالب فیلم و سریال خشونت‌آمیز و گزارشات خبری

نامناسب گاهی اوقات باعث می‌شوند که استعدادهای نهفته افراد بیدار شود و درواقع از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل گردند و در نتیجه لطمات ناشی از آن دیر یا زود خود آنان و افراد اجتماع را دربر می‌گیرد.

همچنین تلویزیون عامل تحریک چه به صورت عامل تسهیل‌کننده از روش‌هایی مانند تقلید، تلقین، عادی‌سازی هنجارشکنی و ارائه روش اجرای جرم و... می‌تواند بیشترین اثر منفی را در تحریک مخاطبین خود به ارتکاب جرایم علیه اشخاص و اعمال خشونت ایجاد نماید. دست‌اندرکاران برنامه‌های تلویزیونی هستند که به تلویزیون هویت می‌بخشند. بنابراین این رسانه فراگیر در جهت پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند با استفاده از دانش و تدابیر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و قضات دادگستری مسئولین حفظ امنیت نقش مهمی را ایفا نماید. تلویزیون کارکرد مؤثر و کارآمدی در پیشگیری از وقوع جرم برعهده دارد و قطعاً با شناخت پتانسیل و توانایی واقعی تلویزیون در شکل‌دهی افکار عمومی و روند زندگی افراد و برنامه‌ریزی اصولی درخصوص جدی گرفتن موضوع پیشگیری و استفاده از کارکرد تلویزیون در این حوزه می‌توان دستاوردهای شگرفی را حاصل کرد، کارکردهایی از جمله کارکرد آموزشی، کارکرد اخلاقی و کارکرد روان‌شناختی تلویزیون می‌تواند در حوزه پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود. لذا پیشگیری از طریق تلویزیون از نوع پیشگیری اجتماعی است. تلویزیون باید با در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فرهنگ جامعه پدیده‌های نامناسب را شناسایی نموده و به منظور پیشگیری از اشاعه آن با توجه به مبانی و اصول فرهنگ جامعه پیامدهای مناسب را اشاعه نماید تا موجبات تخریب و یا انحراف جنبه‌های دیگر فرهنگ نگردند.

بنابراین پیشنهاد می‌شود که با توجه به اینکه بازیگران تلویزیونی در بین تماشاگران از محبوبیت زیادی برخوردارند بنابراین می‌توان با تولید فیلم‌هایی که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه انطباق دارد از طریق بازیگران به اشاعه آن پرداخت. همچنین تلویزیون می‌تواند جنبه‌های ترسانندگی مجازات را برجسته کند تا اقشار جامعه دریابند که مجرمین طبق قانون به طور قاطع مجازات می‌شوند. یکی از مواردی که باعث ارتکاب جرم توسط مجرمین می‌گردد خود بزه‌دیده از جرم است مثلاً افراد ساده‌لوح و مسن در زمینه کیف‌قاپی بیشتر از دیگران در معرض تهدید هستند حتی‌الامکان از طریق تلویزیون آگاهی لازم در این زمینه به اطرافیان این‌گونه اشخاص داده شود تا مراقبت بیشتری از آنها به عمل آید. پیشنهاد می‌شود فیلم‌سازان و برنامه‌سازان تلویزیونی پس از تهیه فیلمنامه و قبل از اجرایی شدن کارشان از کارشناسان حقوقی و جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان، کارشناسان دینی دعوت به عمل آورند تا فیلمنامه را مورد ارزیابی قرار دهند.

یا اینکه کنترل والدین بر روی برنامه‌های مورد علاقه فرزندان، و در صورت لزوم محدود کردن ساعت‌هایی که نوجوانان برنامه‌های ماهواره‌ای را مشاهده می‌کنند. و در آخر اینکه انسان موجودی است اجتماعی و اعمال و رفتار وی تحت تأثیر شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی شکل می‌گیرد و اگر شرایطی که ذکر شد مساعد باشد درواقع انسان به راحتی تحت تأثیر عوامل کجرو و محرکات بزهکاری قرار نمی‌گیرد، برعکس اگر شرایط محیطی و فرهنگی و... انسان نامساعد باشد، مسلماً انسان به محرک‌های منفی ارتکاب بزه پاسخ مثبت می‌دهد و به فردی کجرو و بزهکار مبدل خواهد شد، لذا برای اینکه جامعه‌ای سالم داشته باشیم و از کجروی افراد جلوگیری کنیم باید سعی شود تا حد امکان همه شرایط محیط زندگی فرد را در حد امکان تا حد مطلوب برآورده سازیم تا انتظار عملکرد اجتماعی سالم و مفید از سوی افراد جامعه را داشته باشیم.

منابع

- اسکندری، آرزو و میرلطیفی، پرویز رضا. ۱۳۹۸. نقش رسانه در آموزش حقوق همگانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق، گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات زاهدان.
- اکبری، یوسف، نقش رسانه در پیشگیری از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا دانشکده علوم انسانی گروه حقوق، سال ۱۳۹۱
- پروین، ستار، پیشگیری از جرم با تأکید بر پیشگیری اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا، سال ۸۶ - ۸۵ دادستان، پریخ، روان شناسی جنایی، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم ۱۳۸۹
- دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران: نشر کیهان، چاپ ششم ۱۳۷۴
- دیوید، جی، راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرایم رایانه‌ای، ترجمه اکبر استرکی و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامات ناجا معاونت پژوهش، چاپ اول ۱۳۸۳
- ساروخانی، باقر، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، تهران: انتشارات اطلاعات چاپ نهم سال ۱۳۵۶
- ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۱
- ۸ شیخاوندی، داور، جامعه شناسی انحرافات و آسیب شناسی اجتماعی، تهران: نشر و پخش کتاب، چاپ دوم ۱۳۸۳
- شیرین راکیا، جنایت واقعی و طریق کشف آنها، تهران: انتشارات الباب، چاپ اول سال ۱۳۷۸
- صدری نیا، حسین، روابط عمومی و رسانه، تهران: نشر سایه، چاپ سوم سال ۱۳۸۸
- عباسی، مریم، پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۸۶
- فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ ششم ۱۳۸۹
- قانون مجازات اسلامی، ۱۳۷۷
- کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم چاپ نهم ۱۳۸۸
- مرادی حجت الله - الیاسی محمدحسین، عملیات روانی، رسانه پلیس، تهران: نشر زرد چاپ اول ۱۳۹۰
- مرادی مدیران، رضا، نقش رسانه‌ها در بزه کاری و پیشگیری از وقوع جرم، تهران: نشر آداک، چاپ اول ۱۳۹۱
- معظمی، شهلا، پیشگیری جرم شناختی، فصلنامه پژوهشی تحلیلی، مجله شماره اول تابستان ۱۳۸۶
- مظلومان، رضا، تلویزیون، رادیو، جرم، تهران: نشر آگاه، چاپ اول ۱۳۵۵
- منوچهری، امیر بهادر، خشونت در تلویزیون جنایت در جامعه، مجله سروش، ش ۹۸۵، سال ۱۳۷۸
- مهدی زاده، سید محمد، نظریه های رسانه، تهران: نشر همشهری، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، پیشگیری از بزه کاری، پلیس محلی امنیت، شماره ۲۰ - ۱۹، بهمن و اسفند ۱۳۷۹
- نجفی توانا، علی، جرم شناسی، تهران: نشر آموزش و سنجش، چاپ دهم ۱۳۹۰
- نیل پستمن، نقش رسانه های تصویری در زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران: انتشارات اطلاعات چاپ سوم سال ۱۳۸۸
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ایران حاکمیت و نهادهای اساسی، تهران: انتشارات میزان، جلد دوم چاپ چهاردهم ۱۳۸۶

The role of media in public law education

Arezoo eskandari

Master of laws

parviz reza mirlotfi

Associate professor of the Department of public education, Faculty of Medicine

Abstract

The aim of this study is to identify the effects of media on crime and prevent it by taking positions to combat the reduction of the adverse effects of this media and its use in social and moral education as a dynamic and inclusive media to effectively contribute to criminal justice. The diversity and number of press and the expansion of the publication of different and different publications and in general the decent position of the media in educating thoughts and creating a suitable environment for dialogue and healthy and constructive treatment of opinions as well as the importance of Group media, including written publications, Visual Media, Audiovisual websites and blogs on the internet and modern social networks, cyberspace and so on ...Today's degrees in raising the level of consciousness of each human being and the excellence of culture and public knowledge are undoubtedly one of the most important factors in cultural development and one of the signs of the dynamism and mobility of any dynamic and growing society. The role of media in crime and its prevention is among the factors that are seriously considered for its great influence due to its inclusiveness and wide audience circle, because media can be influenced by the smoothness or absence of other conditions affecting human behavior, including cultural, social, moral, economic and other conditions... Play a complementary role in crime or prevention. Methods of influencing crime by imitation, inculcation, normalization of crime and methods of influencing prevention by: law education, co-operation training between the police and the public, and so on... It can have a huge impact.

Keywords: Media, Public Rights, violence, prevention